

دیپلک حزب مردم سالاری در همایش خانه احزاب:

تنگناهای معیشتی مردم را باید با دیپلماسی اقتصادی حل کرد

✓ حجم اندک مبادلات اقتصادی ما با ۱۵ کشور همسایه نشان می‌دهد که ضعف‌های زیادی در دیپلماسی اقتصادی داریم

صفحه ۲

در رزمایش مشترک پهپادی ارتش انجام شد

رزم ناو آمریکایی در تیررس ابابیل

صفحه ۲



تصویب «شیر رایگان»

در برنامه هفتم

با تصویب کمیسیون تلفیق برنامه هفتم توسعه، قرار است در طول اجرای برنامه هفتم «شیر رایگان در مدارس ابتدایی» توزیع شود، گرچه این مهم هنوز در صحن علنی تصویب نشده است اما بنا بر اعلام وزیر آموزش و پرورش، این طرح از مهر سال جاری در تمام مدارس ابتدایی سراسر کشور اجرا می‌شود. به گزارش ایسنا، توزیع رایگان شیر در مدارس...

صفحه ۳

اثرات آزادسازی

۶ میلیارد دلار بر بازار ارز

عضو اتاق بازرگانی ایران با بیان اینکه منابع ارزی آزاد شده، «درآمد جدید» محسوب نمی‌شود، اما می‌تواند تخصیص ارز واردات کالاهای اساسی و ارز مورد نیاز صنایع و تولید را تسهیل کند، گفت که می‌توان به کاهش قیمت دلار و رسیدن آن به کانال‌های پایین‌تر امیدوار بود؛ اما همه چیز به سیاست‌های بانک مرکزی بستگی دارد. مسعود دانشمند...

صفحه ۴

رشد ۶۰ درصدی اجاره‌بها

در دو سوم استان‌ها

براساس اطلاعات مرکز آمار ایران از بودجه خانوارها، استان زنجان با رشد بالای ۸۰ درصد بیشترین رشد هزینه در بخش هزینه‌های مسکن، آب، فاضلاب، سوخت و روشنایی در کشور را در سال گذشته ثبت کرده است. به گزارش اکوایران، مرکز آمار ایران برای ارزیابی متوسط هزینه خوراک و غیرخوراکی سالانه خانوارهای شهری، مخارج خانوار...

صفحه ۴

سر مقاله

صدام را تبرئه نکنیم

احمد مازنی

براهیم یزدی وزیر خارجه دولت موقت انقلاب با صدام در هاوانا و اظهارات صدام پس از این ملاقات خواندنی است. ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه دولت موقت روز ۱۰ شهریور ۱۳۵۸ در حاشیه اجلاس سران جنبش عدم تعهد در هاوانا پایتخت کوبا، با صدام حسین، دیدار و گفت‌وگو کرد. نشریات وقت محوره‌های دیدار و گفت‌وگوی یزدی با صدام را پیرامون مسائل مربوط به خوزستان، کردستان و تبلیغات مطبوعاتی دو کشور عنوان کردند و به نقل از یزدی نوشتند فضای حاکم بر کنفرانس و صراحت در بیان مسائل از جانب دو کشور رضایت‌بخش و این دیدار، سازنده بوده است.

صلاح الدین عمر العلی - سفر عراق در سازمان ملل در سال ۱۳۵۸ با ذکر جزئیات ملاقات صدام و یزدی وزیر امور خارجه دولت موقت، به موضع صدام پس از این ملاقات می‌پردازد و می‌گوید: «صدام به من گفت این فرصت به دست نمی‌آید مگر در هر صد سال، یک بار و ما سرهای ایرانیان را خواهیم شکست و هر یک وجب خاکی را که اشغال کرده‌اند باز پس خواهیم گرفت و شط‌العرب را بازپس می‌گیریم.» این اظهارات صدام در چه تاریخی بیان شده است؟ دهم شهریور.

نکته دیگر انتساب نامه امام(س) به ملت عراق و درخواست مخالفت عشایر و ارتش علیه حکومت عراق است. در بررسی آثار امام(س) سه نامه منسوب به ایشان خطاب به ملت عراق وجود دارد که در تاریخ ۲ مهر، ۱۲ مهر و ۲۴ مهر ۱۳۵۹. البته در برخی سخنرانی‌ها اشاراتی به رژیم عراق شده که در یادداشت‌ها جداگانه به همراه اقدامات ایذایی ارتش عراق در مرزهای ایران اسلامی بررسی خواهد شد.

به چند نکته اشاره می‌شود. نکته اول اینکه اگر تجربه امروز را داشتیم می‌توانستیم از بروز جنگ جلوگیری کنیم؟ این جمله منسوب به مرحوم هاشمی رفسنجانی است که «اگر با تجربه‌های امروز بخواهیم انقلاب را شروع کنیم، شاید تلاش کنیم که نگذاریم جنگ شروع شود». جمله‌ای که آن مرحوم پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل در مصاحبه‌ای مطرح کردند. طبیعی است وقتی تجربه کمتر از ده سال از زمان پیروزی انقلاب تا پایان جنگ می‌تواند برای پیشگیری از بروز جنگ مؤثر باشد، تجربه بیش از چهل سال قطعاً تأثیر بیشتری دارد.

هر پدیده‌ای را باید در ظرف زمان و مکان خاص خودش ارزیابی و درباره آن قضاوت کرد، نه در ظرف زمانی چند دهه بعد از آن پدیده که از قدیم گفته‌اند معما چو حل گردد آسان شود. نکته دوم درباره سابقه تاریخی اختلافات ایران و عراق است که پس از یک دوره جنگ بین دو کشور در زمان پهلوی دوم در ملاقات و مذاکراتی بین شاه مخلوع ایران و صدام حسین در الجزایر منجر به امضای قرارداد الجزایر در سال ۱۹۷۵ میلادی شد. اما نشانه‌هایی از شرارت یعنی‌ها در مرزها پس از امضای قرارداد در دوره پهلوی و عدم رضایت آنان از مفاد قرارداد الجزایر وجود دارد که ردپای این شرارت‌ها را در متون تاریخی، از جمله یادداشت‌های علم می‌توان مشاهده کرد.

براساس سابقه مذکور شواهدی وجود دارد که فروپاشی رژیم سلطنتی و ایجاد فضای انقلابی در ایران و وقوع درگیری‌هایی در مناطق مختلف ایران، برای حزب بعث فرصت طلایی برای نقض قرارداد الجزایر فراهم کرده است. علاوه بر شواهد و قرائن بسیار، ماجرای ملاقات

و جوه مختلف اندیشه، شخصیت، دانش و عملکرد امام خمینی(س) از چنان سابقه روشنی برخوردار است که ایجاد ابهام در هر یک از وجوه مذکور کار آسانی نیست. به دلیل ویژگی شفافیت و صداقت در ارتباط با مردم، مواضع ایشان در دسترس همگان هست اما امام راحل به همان اندازه که دوستان دلناده فراوانی دارد، دشمنان کینه‌توز بسیاری نیز دارد که از هر وسیله‌ای برای ایجاد شبهه در اندیشه و عملکرد آن بزرگوار استفاده می‌کنند. وقتی از اهل شام می‌پرسیدند: این ابوتراب که او را لعن می‌کنید کیست؟ پاسخ می‌دادند: «درست نمی‌دانیم اما گویا یکی از دزدهای شرور عراق است».

در مورد جنگ تحمیلی چنان تولید محتوا می‌شود که اگر صدام را از زیر خاک بیرون بیاورند و از او بخواهند درباره علل و عوامل وقوع جنگ بگویند و بنویسد معلوم نیست تا این حد غیر منصفانه بگویند و بنویسد!

جنگی که از اسناد شورای امنیت تا منابع مستقل داخلی و خارجی و خود صدام حسین تردیدی در تحمیل آن به انقلاب نوپای ایران ندارند، با سرهم‌بندی مطالب چنان تعریف می‌کنند که انگار این امام خمینی(س) بود که قرارداد الجزایر را پاره کرد، این ایران بود که در مرزها شرارت می‌کرد، این شهرهای عراق بودند که توسط ایران اشغال شدند! چه می‌توان کرد که خوابیده را می‌توان بیدار کرد اما کسی که خود را به خواب می‌زند نمی‌توان بیدار کرد. چرا که در این زمینه کتاب‌های مستدل و مقالات منطقی و نیز خاطرات عناصر مطلع در این زمینه نوشته و گفته شد که برای منتقدین منصف کمتر ابهامی باقی می‌ماند.

برای بررسی منصفانه علل آغاز جنگ تحمیلی

گزارش روز

الرای بررسی کرد

پشت پرده تنش‌زایی آمریکا در خاورمیانه

کدام کردن آنچه در جهان می‌گذرد از آنچه امروز در عرصه اوکراین میان روسیه و غرب می‌گذرد و مهمتر از همه نتایج این برخورد در عرصه سیاسی و اقتصادی بین‌المللی دشوار است. «بیلیا ج. مغنایر» در الرای می‌نویسد: از زمان آغاز جنگ آمریکا و روسیه در اوکراین، رسانه‌های بین‌المللی و مقامات ارشد غربی تأکید می‌کنند که توانمندی‌های نظامی و اقتصادی مستکو به طور کامل نابود شده، ذخایر تسلیحاتی نظامی روسیه تمام شده است و کی‌یف پیروز خواهد شد. اما ژنرال کریستوفر کاولی، رئیس ستاد فرماندهی اروپایی آمریکا در مقابل کمیته نیروهای مسلح کنگره آمریکا، تأکید کرد که «علی‌رغم تمام تلاش‌ها، نه جنگ و نه توانمندی‌های نظامی غرب می‌تواند اوکراین ارسال شده، بر توانایی‌های نظامی روسیه تأثیر گذاشت». این سخنان به این معناست

یادداشت

بیراهه دولت احمدی‌نژاد را نروید

محمد جواد بهلولان

سبزه‌دم در این خصوص اگرچه در حد و اندازه دولت‌های اصلاحات و تدبیر و امید نیست ولی حداقل مثل دولت احمدی‌نژاد هم نیست که ناظران و رسانه‌ها زیر ضرب بروندولی به نظر می‌رسد ورق برگشته است و این دولت باز هم در حال اثبات این نظریه است که تفاوت چندانی با دولت مهر روز ندارد و تلاش دارد در نهایت همان مسیر را برود. هرچند که باید متذکر شد و یادآوری کرد که حداقل در لسان جناب رئیس جمهور اعتقادی به این روند و سبک و سیاق ندارند. ایشان در سخنانی که در روز خبرنگار در مردادماه سال جاری مطرح کردند مواردی را گفتند که نور امید را تبخیر می‌کند و امید را از بین می‌برد. ولی متأسفانه به نظر می‌رسد از همان زمان طاق‌ها در مورد نقد دولت کم و کمتر شده است.

چنین رویکردی آنچه شد که در دولت احمدی‌نژاد شاهدش بودیم، جدا از مسئله واگرایی اجتماعی و سیاسی حداقل از منظر منافع سیاسی نیز این افراد باید بدانند نفع‌شان در تغییر این رویکرد و فسادت، در موسمی مثل بهمن بر این دولت خراب می‌شود و دیگر نه بسستن فایده دارد و نه پاسخگویی، حال هرچه خود دانید.

جالب آن است که وجه تشابهات این دولت و دولت محمود احمدی‌نژاد مدام در حال افزایش است. تا چند صباحی قبل اگر فردی از من می‌برسید یک فرق میان این دولت و دولتین نهم و دهم را ذکر نمی‌گفتم این دولت به نسبت دولت محمود احمدی‌نژاد از صبر و طاقت بیشتری در برابر منتقدان برخوردار است. در دولت موسوم به مهر روز به سبب آنکه یکدستی در قدرت شکل گرفته بود و گروهی تصور می‌کرد از بعد از پیروزی انقلاب دولتی همطراز با آرمان‌های انقلاب بر صندلی قدرت نشسته لذا کسی حق نقد این دولت و رئیس آن را ندارد و همگی باید مجیزگو باشند. در همان روزگاران بود که اتفاقاً اصطلاح «وکیل الدوله» بودن باب شد و عده‌ای از آن که چنین لقبی بگیرند افتخار می‌کردند و خلاصه مایه سرافکندگی نبود. در این دولت تقریباً تا اواسط سال جاری فضای نقد و نقادی قابل قبول بود و به نظر می‌رسید دولت

یادداشت

سردرگمی سیاست خارجی ایران در اوکراین و ارمنستان

سیدوحید کریمی

می‌کند؟ عدم پاسخ به سوال و تلاش برای تفکیک دو جبهه اوکراین و ارمنستان «عدم خروج از این سرگیجه» است.

در حالی که پاسخی برای پرسش‌های خود نداریم، شاید منتظر دوران گذار هستیم و طراحی‌های دیگران را انتظار می‌کشیم تا بعداً واکنش نشان دهیم. همان طور که در برابر تطمیع و تهدید به حذف و مشارکت اردوغان نسبت به ایران که همه را در یک قالب دنبال می‌کند، پاسخی نمی‌دهیم.

اکنون در سیاست خارجی‌مان مانع‌تراشی، حسادت به همسایگان، نفرت بی‌مورد از غرب و ازدواج اجباری با پوتین را شاهدیم که موجبات «گیجی» ما را فراهم آورده است، در این میان نخسنگان هم یکی به میخ یکی به نعل می‌زنند و درصدد آسیب‌شناسی و تصحیح هم نیستند و با ملاحظات خطی، سیاسی، وابستگی، نیازمندی درک و فهم گوناگون را القا می‌کنند. به عبارت دیگر می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که در اوکراین کیش و مات کردیم ولی در ارمنستان کیش و مات شدیم.

منبع: دیپلماسی ایرانی

طی تقریباً دو سال اخیر دو جنگ در دو منطقه نزدیک به هم را شاهد بودیم، یکی جنگ اوکراین و حمله روسیه به آن و دیگری جنگ قره باغ و حمله آذربایجان با حمایت ترکیه، عضو ناتو، به آن. با توجه به این که این دو واقعه بسا فاصله بوده و هم زمان نبوده است سیاست ایران در قبال این دو را می‌توان به شکل مختلفی ارزیابی کرد.

در اوکراین احتمالاً تلاش برای توسعه ناتو بود. همراهی با روسیه که تلاش می‌شد روابط راهبردی و استراتژیک باشد برای ایران فرصت بود. اما روسیه به‌دنبال آن بود تا در تله یا دام پهن شده برای ولادیمیر پوتین تنها نباشد. از این رو از فرصت نمایش قدرت ایران به خوبی استفاده کرد. روسیه محق به نظر می‌رسد و شاید هم لازم بود که ایران با آن همکاری خاصی داشته باشد. در مورد مناقشه آذربایجان و ارمنستان اما به نظر می‌رسد باید تحلیل دیگری از سیاست جمهوری اسلامی ایران داشته باشیم. در آنجا به نظر می‌رسد که ما دیر متوجه شدیم و بساز هم اینگونه به نظر می‌آید که توافقات برای توسعه وسعت سرزمینی آذربایجان با حمایت ترکیه بوده و طی آن بده‌بستانی ناتو با عضویت سوئد انجام شده بود و پوتین هم

با توجه به واسطه‌گری رجب طیب اردوغان، رئیس جمهوری ترکیه برای روسیه در غرب، این اتفاقات را پذیرفته بود. جمهوری اسلامی ایران چون معتقد به بعضی سیاست‌های قدیمی مثل «عدم تغییر مرزها» و «عدم گشایش کانال‌های مراسلاتی» است، همچنین نسبت به مناسبات ترکیه و آذربایجان و گسترش حوزه و احیای امپراطوری مغولستان بزرگ یا ترکیه عثمانی حساسیت دارد و با این سیاست عملی ترکیه مواجه شده است، به نظر می‌رسد در نوعی «سرگیجه یا سردرگمی استراتژی» سیر می‌کند.

در اینجا این سوال مطرح می‌شود که اگر مخالف توسعه نفوذ غرب هستیم چرا در ارمنستان با این نفوذ مقابله نمی‌کنیم، از سوی دیگر در حالی که پاشینیان عنصر غربی محسوب می‌شود همراهی غرب با او را هم مشاهده نمی‌کنیم، در حالی که به جای پاشینیان ترکیه و آذربایجان را سیبل کرده‌ایم؟ در مورد رفتار ولادیمیر پوتین در مورد قفقاز هم «گیج» هستیم، در حالی که این همه در اوکراین به روسیه کمک کردیم؛ می‌بینیم که پوتین در ارمنستان با ترکیه، آذربایجان و غرب همراهی